



اشاره:

مقاله حاضر نوشته حجت‌الاسلام غلام‌علی عزیزی‌کیا عضو هیئت علمی گروه علوم قرآنی موسسه امام خمینی است که به بررسی نقش علامه مصباح در علوم قرآن و حدیث پرداخته است.

نقش علامه مصباح در گستره معارف قرآن و حدیث

غلام‌علی عزیزی‌کیا

گفتار و بخش‌هایی از دو سوره مومنون و فرقان در کتابی با نام رستگاران منتشر شده است. استاد علامه مصباح ره اگرچه در تفسیر ترتیبی روزگار گذرانده و افزون بر شرکت در درس‌های تفسیری علامه طباطبایی ره و ترجمه جلد چهارم تفسیر المیزان، متن برخی از مجلدات المیزان را پیش از چاپ ملاحظه و گاه برخی پیشنهادات اصلاحی ایشان را استاد پسندیده بود^۱ دقت در آثار قرآن‌پژوهی استاد، برجستگی ایشان را در بهره‌گیری از روش صحیح تفسیر نشان می‌دهد به گونه‌ای که می‌توان با سیری گذرا در این آثار افزون بر آشنایی با مصادیقی از تفاسیر نادرست و کاستی‌های برخی از آثار قرآن‌پژوهی، به معیارهایی در روش‌شناسی تفسیر نیز دست یافت.

اگرچه برخی فرهیختگان حوزوی و دانشگاهی استاد محمد تقی مصباح یزدی دام ظلّه را بیش‌تر به عنوان فیلسوفی دارای آثار متعدد فلسفی می‌شناسند؛ اما بی‌گمان ایشان یکی از مفسران و قرآن‌پژوهان و نیز حدیث‌پژوهان برجسته حوزه علمیه قم در روزگار ماست که در دو حوزه قرآن و حدیث‌پژوهی آثار بدیع و نوآمدی دارند. با آن‌که بیش‌تر مباحث تفسیری ایشان در قالب تفسیر موضوعی با نام «معارف قرآن» سامان یافته^۱ ولی پیش از آن، در مدرسه منتظریه (حقانی) قم بخش‌هایی از قرآن را به صورت ترتیبی تفسیر کرده‌اند و برخی از آن درس‌ها نیز تدوین و منتشر شده است.^۲ هم‌چنین تفسیر سوره حمد را در گفتارهای هفتگی خود تفسیر کرده و در کتاب ۲۸



از ویژگی‌های مهم علامه مصباح قدس سره زمان‌شناسی و اصلاح‌گری بود. اصلاح‌گری ایشان ابعاد مختلفی دارد که در این‌جا فقط به بخشی از تفکر اصلاحی ایشان در باب برخی از دروس حوزوی می‌پردازیم. ایشان از همان سال‌های آغازین ورود به حوزه علمیه از بی‌برنامگی موجود در حوزه‌ها رنج می‌برد و در برابر کسانی که نظم را در بی‌نظمی می‌دانستند، باور به لزوم ایجاد انتظام در اداره حوزه و ارائه برنامه مناسب جهت پرورش نیروهای مناسب با نیازهای مختلف جامعه اسلامی داشت. این دغدغه با ورود ایشان به حوزه علمیه قم افزون شد و در کنار یاران دیگری که کم و بیش چنین می‌اندیشیدند، در پی عملی ساختن آرزوی خود برآمد و محور درس‌های خود را عنوان‌هایی قرار داد که در حوزه آن روز مهجور بود. تفسیر قرآن و فلسفه دو حوزه درسی بود که نه کتاب مناسبی برای آموزش آن وجود داشت و نه استادی برای آن تربیت شده بود. اگرچه استاد بزرگ ایشان جناب علامه طباطبایی ره سال‌ها پیش از آن و به همین جهت از تدریس دروس رسمی فقه و اصول کناره گرفته و به فلسفه و تفسیر پرداخته بود^۴ و افزون بر تربیت شاگردان مبرز به نگاشتن آثاری چون تفسیر المیزان و کتاب‌های فلسفی بدایه الحکمه و نهاییه الحکمه جهت تدریس در مدارس حوزوی توفیق یافته بود، اما این حرکت نیاز به استمرار داشت و نپرداختن به آن سبب رکود مجدد آن‌ها می‌شد. استاد مصباح برای تدریس در مدرسه حقانی دو درس فلسفه و تفسیر را انتخاب کردند^۵ ولی در متنی برای تدریس تفسیر در اختیار نداشتند. پس از مدتی به ناکارآمدی روش تفسیر ترتیبی در انتقال معارف قرآن به مخاطب پی بردند؛ زیرا تفسیر ترتیبی که بتوان با آن همه معارف را به مخاطب آموخت، سال‌ها به طول می‌انجامید و با توجه به محدودیت زمان تحصیل، بخش‌های زیادی از معارف قرآنی برای آنان ناگفته باقی می‌ماند و مهم‌تر از آن وجود تنوع در موضوعات قرآنی، حتی در یک آیه، امکان تدریس نظام‌مند معارف قرآن را در برنامه‌های درسی محدود، غیرممکن می‌نمود. استاد بر این باور بود که ناچاریم معارف قرآنی را دسته‌بندی کنیم و به آنها شکلی بدهیم تا آموختن آنها برای جوانانی که وقت کمی دارند، آسان و نیز در مقابل نظامهای فکری دیگر قابل عرضه باشد.^۶ از این‌رو ذهن جستجوگر استاد در پی روشی بود که با صرف زمان کم‌تر، بیش‌ترین آگاهی از معارف قرآن را به بار آورد و قابل ارائه در یک دوره درسی باشد. ایشان در تفاوت این دو نوع تفسیر می‌فرماید «در تفسیر ترتیبی، کسانی که مایل‌اند به تفسیر آیات قرآن بپردازند، از یک‌جا شروع نموده، به ترتیب آیات پیش می‌روند و بالطبع کسانی که در صدد تفسیر همه قرآن هستند، از سوره «حمد» شروع کرده و به سوره «ناس» ختم می‌کنند. عمده تفسیرها این‌گونه هستند. در مقابل، گاهی به جای اینکه مفسر سوره‌ای را انتخاب نموده و از اول تا آخر آن را تفسیر کند، مطلب یا سؤال خاصی به قرآن کریم عرضه می‌کند تا پاسخش را از قرآن به دست آورد. معمولاً به دست آوردن این جواب از یک آیه حاصل نمی‌شود، به‌خصوص اگر ما بدانیم آیات متعددی در این زمینه هستند که مفاهیمشان کمابیش با یکدیگر متفاوت است و هریک به جنبه‌ای از موضوع پرداخته است. فرض کنید فردی می‌خواهد نظر قرآن را درباره کسانی که بهشتی می‌شوند، نجات می‌یابند و اهل فلاح هستند (مفلحین) بداند و شرایط آنها را جوابا شود. می‌دانیم که این واژه در قرآن زیاد استعمال شده و در هر جایی شرایط خاصی ذکر گردیده که عین هم نیستند. آن‌گونه نیست که هر جا کلمه

«مفلح» یا «افلح» یا «فلاح» آمده باشد، فقط چند مفهوم مخصوص از آن برداشت بشود. به هر حال، پیش از اینکه مراجعه کنیم، برای ما این احتمال هست که در یک جا بعضی از اوصاف ذکر شده و در یک جا بعضی از اوصاف دیگر گفته شده باشد. احتمال هم می‌دهیم که گاهی بین این برداشت‌هایی که از آیات می‌شود دست‌کم تضاد ابتدایی وجود داشته باشد. حال چگونگی باید اینها را جمع کرد؟ مثلاً، در رابطه با «مفلحین»، قرآن در آیاتی برپا کردن نماز و پرداخت زکات را، و در آیه‌ای دیگر خشوع در نماز را شرط می‌داند: قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ (مؤمنون: ۱-۵) ما باید اینها را جمع‌آوری کنیم تا بفهمیم مجموعاً چه چیزهایی از نظر قرآن در فلاح دخالت دارد. پس محور ما در بحث، خود موضوع است نه آیه و یا سوره قرآن؛ یعنی تلاش ما در تفسیر موضوعی مبتنی بر آیه خاص و بلکه سوره خاصی نیست، بلکه تلاش ما مبتنی بر مطالب خاص و موضوعی خاص بوده و این، تفسیر موضوعی است. بنابراین، فرق تفسیر موضوعی با ترتیبی این است که در تفسیر ترتیبی، محور، ترتیب آیات قرآن است؛ مثلاً، ما سوره‌ای مثل سوره «فاتحة الكتاب» را به ترتیب از «بسم الله الرحمن الرحيم» تا «ولا الضالین» بحث می‌کنیم؛ اما در تفسیر موضوعی می‌خواهیم جواب مطلبی را در قرآن پیدا کنیم که احتمالاً چندین آیه بدان اشاره کرده است. از این‌رو، مسئله مربوط به موضوع خاصی از دیدگاه قرآن و محور تفسیر بررسی آیات مرتبط با آن موضوع است.^۷

بدین ترتیب چاره کار را در ارائه درس تفسیر موضوعی تشخیص دادند اما روزگار تفسیر موضوعی بدتر از تفسیر ترتیبی بود اگر در زمینه تفسیر ترتیبی کتاب‌هایی از پیشینیان و برخی عالمان معاصر وجود داشت، اما تفسیر موضوعی جامع و فراگیر که همه بخش‌های معارف قرآن را پوشش دهد، در اختیار نبود آری در دوران‌های پیشین آیات الاحکام و یا آیات ولایت و مانند آن به صورت موضوعی بررسی شده بود، اما این مقدار برای آموزش معارف قرآن بسنده نبود. سرانجام ایشان طریقی نو در انداخت و تفسیر موضوعی بر محور «الله» را پیشنهاد کرد تا تشنگان معارف الهی با زلال جاری معارف قرآن سیراب گردند. ایشان با مشورت برخی از دوستان خود مانند شهید بزرگوار آیه الله بهشتی برای تدریس در مدرسه حقانی به اجرا در آورد پس از آن نیز در مؤسسه در راه حق بخش‌های مختلف آن را تدریس کردند و درس‌گفتارهای تفسیر موضوعی پس از ویرایش اولیه به عنوان متن درسی دوره‌های بعدی قرار گرفت و بدین سان مجموعه گران‌سنگ معارف قرآن کریم پدید آمد. در این اثر ماندگار، آیات قرآن کریم به صورت موضوعی در محورهای مختلف بررسی شده به گونه‌ای که مجموعه معارف قرآن در ارتباط با یکدیگر حول محور الله تبیین و سامان یافته است؛ استاد خود در مقدمه معارف در این باره آورده‌اند: باید معارف قرآن را مثل یک چشمه‌ی جاری ببینیم که از مرحله‌ای می‌گذرد و وارد مرحله‌ای دیگری می‌شود که این مراحل، تقسیماتشان طولی است. اول نقطه‌ی معینی دارد که از آنجا شروع می‌شود و از آنجا که لبریز شد به مرحله‌ی دوم فیضان می‌کند و مرحله‌ی دوم فرعی از مرحله‌ی اول است؛ نه اینکه در کنار آن و قسیم آن باشد. گرچه تقسیمات طولی کم کم به جایی می‌رسد که پخش می‌شود و شاخه‌هایی هم پیدا می‌کند؛ اما اساس بر این است که معارف قرآنی را بر حسب مراتب طولی در نظر بگیریم. این طرح به چند دلیل در نظر ما رجحان دارد:

را از زبان خود قرآن معرفی می‌کند و از آنجا که در این بخش از تزکیه و تعلیم، به منزله هدف قرآن سخن به میان آمده، زمینه بحث تزکیه و انسان‌سازی قرآن در بخش هفتم فراهم می‌آید. در بخش (۷) اخلاق یا انسان‌سازی قرآن دیدگاه‌های اخلاقی قرآن تبیین می‌گردد و ثابت می‌شود که عبادت و بندگی خدا، تنها اکسیر انسان‌سازی است. پس از آن در بخش (۸) برنامه‌های عبادی قرآن اعم از برنامه‌های فردی و اجتماعی بررسی می‌شود. سپس در بخش (۹) احکام فردی قرآن و در آخرین بخش (۱۰) احکام اجتماعی قرآن مطرح خواهد شد که در مقدمه آن، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن مورد بحث قرار می‌گیرد. بنابراین، معارف قرآن از نقطه آغاز هستی شروع می‌شود و به ترتیب مراحل خلق و تدبیر را با حفظ محوریت «الله» برمی‌رسد، و سرانجام با بیان ویژگی‌های جامعه آرمانی انسان ختم می‌گردد.



علامه مصباح و حدیث‌پژوهی

علامه مصباح ره در حدیث‌پژوهی نیز دست توانایی داشته و از دوران جوانی و پیش از پرداختن به تفسیر قرآن، احادیث فراوانی را بررسی و تحلیل کرده و نکات دقیقی در شرح احادیث نگاشته است.

در میان آثار قلمی و گفتاری علامه ره حدیث‌پژوهی جایگاه ویژه‌ای داشته و حکایت از آگاهی عمیق ایشان بر دانش‌های پیش‌گفته دارد. از تحقیق و تصحیح و تعلیقه بر شش جلد (۵۴-۵۹) از مجلدات کتاب شریف «بحارالانوار» و نیز تصحیح و تعلیقه بر «معانی‌الانوار» که از نخستین نگاه‌های استاد به شمار می‌آید و دربردارنده نکات رجالی و فقه‌الحدیثی فراوان است^۱ تا تعداد پرشمار آثار حدیث‌پژوهی ایشان که در سال‌های اخیر منتشر شده و در آن‌ها احادیث و دعا‌های معصومان را شرح و توضیح داده‌اند، همگی نشان از عمق اعتقاد و ارتباط و ارادت قلبی به معصومان علیهم‌السلام و احادیث آنان دارد و هم حاکی از ژرف‌اندیشی و نبوغ علمی ایشان از دوران جوانی است.^۲ حدیث‌پژوه معاصر استاد علی اکبر غفاری ره که خود کتاب‌های حدیثی مختلفی را احیا و منتشر کرده، در وصف استاد و تعلیقه وی بر معانی‌الانوار می‌نویسد: این اثر اگرچه از آغازین کارها و شکوفه‌های بهاری و نخستین نسیم‌های علمی اوست؛ اما حدیث‌پژوهان در خلال آن درس‌هایی گرانبها و دیدگاه‌هایی عالمانه می‌بینند که همگی بیان‌گر ژرف‌کاوی در پژوهش، باریک بینی در کلام، آسان‌سازی زیبا در شرح مشکلات و دقت ایشان در استنباط است.^۳ کوشش‌های حدیث‌پژوهی علامه مصباح را می‌توان در محورهای زیر خلاصه کرد.

۱. احیای بخشی از میراث مکتوب حدیثی معصومان که شرح آن گذشت.

۲. آموزش غیرمستقیم مبانی و روش فهم حدیث. س شرح

اولاً: محور آن «الله» تبارک و تعالی است و در کنار او چیزی را معرفی نمی‌کنیم؛

حدید / ۳: «هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَ الظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ». برخلاف تقسیمات دیگر که در آن‌ها باید یا محور را اصلاً چیز دیگری مثل انسان قرار دهیم، یا اگر از توحید و عقائد هم بحث می‌کنیم؛ باید در کنار آن، اخلاق و احکام را به عنوان قسیم اعتقادات مطرح کنیم - ولی در اینجا اول یک بحث بیشتر نداریم و جای هیچ بحثی هم در کنار آن نخواهد بود و تا این بحث حل نشود و از آن فارغ نشویم، به بحث دوم نخواهیم رسید.

پس اولین امتیاز این است که بر اساس «الله محوری» این تقسیمات انجام می‌شود. و برخلاف تقسیمات دیگر که در آن‌ها باید یا محور را اصلاً چیز دیگری مثل انسان قرار دهیم، یا اگر از توحید و عقائد هم بحث می‌کنیم؛ باید در کنار آن، اخلاق و احکام را به عنوان قسیم اعتقادات مطرح کنیم - ولی در اینجا اول یک بحث بیشتر نداریم و جای هیچ بحثی هم در کنار آن نخواهد بود و تا این بحث حل نشود و از آن فارغ نشویم، به بحث دوم نخواهیم رسید.

پس اولین امتیاز این است که بر اساس «الله محوری» این تقسیمات انجام می‌شود. و دوم اینکه ترتیب منطقی بین مسائل و تقسیمات حاصل می‌گردد؛ زیرا وقتی این بحث‌های مختلف سلسله‌وار به هم مربوط بود؛ طبعاً بحث قبلی یک نوع تقدّم بر بحث بعدی خواهد داشت که روشن و قابل فهم است، بر خلاف تقسیماتی که بحث‌ها را در عرض یکدیگر قرار می‌دهد که تقدّم داشتن یکی بر دیگری، محتاج به تبیین و گاهی تکلف است.^۴

بدین سان معارف قرآن (۱) از شناخت خدا آغاز شده و و به بحث درباره کلیات و تفصیل افعال الهی خاتمه می‌یابد سپس (۲) جهان‌شناسی مطرح می‌شود؛ زیرا آفرینش جهان هستی، یکی از افعال الهی است و از این جهت مباحث این بخش با بخش قبلی ارتباط می‌یابد، و به اینجا می‌رسد که خلقت همه پدیده‌های جهان، مقدم بر خلقت «انسان» به منزله شریف‌ترین مخلوق خداوند بوده است. آن‌گاه در بخش بعدی (۳) انسان‌شناسی بررسی می‌شود در این بخش اثبات می‌شود که انسان موجودی تک‌بعدی نبوده، زندگی او در دنیا مقدمه زندگی اخروی است، و او در این سیر نیازمند راه و طریق وصول به کمال و جاودانگی است. (۴) در بخش چهارم که راه‌شناسی است، سخن بر سر شناخت راه درست وصول به سعادت آدمی است. این موضوع به مباحث رسالت و نبوت و امامت تسری می‌یابد و به این ترتیب با بخش بعدی مرتبط می‌شود. (۵) پس از آن در بخش راهنماشناسی صفات و ویژگی‌های راهنمایان طریق هدایت و چگونگی هدایت آنان بررسی می‌شود. حلقه اتصال این مبحث با مباحث بخش بعد (۶)، طرح بحث کتب آسمانی پیشین است که به قرآن شناسی می‌انجامد که در آن قرآن‌شناسی قرآن

فرق تفسیر موضوعی با ترتیبی این است که در تفسیر ترتیبی، محور، ترتیب آیات قرآن است؛ مثلاً، ما سوره‌ای مثل سوره «فاتحة‌الکتاب» را به ترتیب از «بسم‌الله الرحمن الرحیم» تا «ولا الضالین» بحث می‌کنیم؛ اما در تفسیر موضوعی می‌خواهیم جواب مطلبی را در قرآن پیدا کنیم که احتمالاً چندین آیه بدان اشاره کرده است. از این‌رو، مسئله مربوط به موضوع خاصی از دیدگاه قرآن و محور تفسیر بررسی آیات مرتبط با آن موضوع است.

این نکات نیاز به مقاله جداگانه ای دارد.^{۱۲}

۳. شرح نکات اعتقادی، اخلاقی، دعاها و مباحث اجتماعی و تاریخی موجود در احادیث معصومان

تاکنون بیش از بیست عنوان کتاب شرح حدیث از جناب علامه در این حوزه‌ها منتشر شده است.^{۱۳} دغدغه جناب استاد تهذیب اخلاق مخاطبان و آگاه کردن آنان به وظایف اجتماعی خویش بوده است.

۴. نقد شبهات نوظهور مانند تساهل و تسامح و تعدد قرائات و ... با بهره گیری از احادیث معصومان به ویژه خطبه‌های حضرت امیر علیه السلام

۵. تبیین اوصاف و سیره عملی پیامبر ص و دیگر معصومان در برخورد با شرایط خاص اجتماعی خود به ویژه حوادث پس از ارتحال پیامبر تا حادثه عاشورا و ...

منابع؛

روزی‌طلب، محمد حسن، ذوالشهادتین امام، تهران، کاظمی، ۱۳۹۸

مصباح یزدی، محمد تقی، معارف قرآن، ج ۱-۳، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۶.

صنعتی، رضا، مصباح دوستان: ناگفته‌هایی از زندگی علمی و سیاسی آیت الله مصباح یزدی، قم، همای غدی، ۱۳۸۳.

صدوق، محمد بن علی، معانی الاخبار، قم، اسلامی، ۱۳۶۱.

رجبی، محمود، تفسیر موضوعی قرآن از دیدگاه استاد محمد تقی مصباح، قرآن شناخت، ش ۴، ص ۱۱۱-۱۴۶.

مصباح یزدی، تماشای فرزندی و فروزندی، تدوین و نگارش غلامرضا گلی زواره، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۶.

پی‌نوشت‌ها

۱. برای آگاهی از برخی ویژگی‌ها و امتیازات این تفسیر ارزشمند رک: محمود رجبی، تفسیر موضوعی از منظر استاد محمد تقی مصباح، دو فصلنامه قرآن شناخت، ش ۴ (پاییز و زمستان ۱۳۸۸) ص ۱۱۱-۱۴۶.

۲. تاکنون بخش‌هایی از این مجموعه (آیات ۱-۴۸ سوره بقره) در دو فصلنامه قرآن شناخت (شماره‌های ۱-۹) منتشر شده است.

۳. روزی‌طلب، محمد حسن، ذوالشهادتین امام، ص ۵۲

۴. مصباح یزدی، تماشای فرزندی و فروزندی، ص ۳۱

۵. روزی‌طلب، محمد حسن، ذوالشهادتین امام، ص ۱۳۱.

۶. مصباح یزدی، محمد تقی، معارف قرآن، ج ۱، ص ۱۹.

۷. مصباح، محمد تقی، (گفت‌وگو) تفسیر موضوعی، مجله معرفت، ش ۱۳۶، ص ۶

۸. معارف قرآن ص ۲۳.

۹. تلاش‌های استاد را در تحقیق و تعلیق بر این مجلدات می‌توان در امور زیر خلاصه کرد. بیان معانی واژگان حدیث و ضبط و ساختار آن، شرح نکات دشوار حدیث، بیان اختلاف نسخ، مرجع ضمیر، سقط در متن، راز تکرار و تصحیف متن، توجه به قرائت‌های متعدد حدیث به ویژه قرائات مغیر معنا،

نقد احادیث مخالف با واقعیت خارجی، مقابله نسخه منتخب با نسخه‌های دیگر و مخطوطات، مقابله احادیث با مصادر حدیثی بحار و مقایسه آن با مصادر دیگر حدیث، بررسی سند و رفع مشکلات آن

از قبیل تعلیق و ارسال و تصحیف و ... بررسی رجال سند ترجمه برخی راویان، توحید اختلافات و تمیز مشترکات، مستندسازی آیات و احادیث، توضیح معانی واژگان غریب متن بحار و برخی احادیث، نقد چپش احادیث در ذیل ابواب، نقد دیدگاه صدوق در شرح برخی احادیث معانی الاخبار و

نقد برخی دیدگاه‌های علامه مجلسی در ذیل برخی از احادیث بحار الانوار، جمع‌بندی مباحث مطرح

در ذیل برخی عناوین مطرح شده در احادیث، تمییز و تفکیک متن حدیث از کلام صدوق در معانی الاخبار و تمییز کلام علامه مجلسی از نقل قول‌های وی از دیگران در بحار الانوار.

۱۰. باتوجه به تاریخ تولد استاد (۱۳۱۳ شمسی) و تاریخ انتشار معانی الاخبار (۱۳۳۸ شمسی) و بر اساس مؤخره استاد بر ج ۵۴ بحار، ص ۳۷۷ (۱۲ شعبان ۱۳۳۹ قمری = ۲۰ بهمن ۱۳۳۸) ایشان در سن ۲۵ سالگی تعلیق بر معانی الاخبار و بحار الانوار را به پایان برده و به طور طبیعی تألیف این آثار قدری پیش‌تر صورت گرفته و نشان از برخورداری ایشان از ملکه اجتهاد و استنباط از متون دینی دارد چنانکه استاد به برخی از شاگردان خود همین نکته را گوشزد کرده‌اند: «من در سن ۲۳ سالگی که ازواج کردم صاحب نظر بودم و از ۲۷ سالگی تقلید نمی‌کردم». رک صنعتی، رضا، مصباح دوستان، ص ۲۴-۲۵.

۱۱. صدوق، محمد بن علی، معانی الاخبار، مقدمه، ص ۵.

۱۲. در این باره تاکنون دو مقاله منتشر شده است یکی از سید محمد کاظم طباطبایی با عنوان پژوهش‌های حدیثی استاد مصباح. در این باره رک: رهیافت‌ها و رهاوردها، ج ۴، ص ۳۳۵-۳۷۰ و دیگری از غلامعلی عزیزی کیا با عنوان درنگی در چگونگی بررسی اسناد احادیث در تعلیقات آیه الله مصباح بر «معانی الاخبار» و «بحار الانوار». رک: مجله معرفت، ش ۲۴۷، ص ۱۳-۲۲.

۱۳. جناب علامه مصباح ره از سن ۲۳ سالگی تا پایان عمر بابرکت خود فقط در حوزه حدیث پژوهی ۲۲ عنوان کتاب در قالب ۳۱ جلد از خود به یادگار گذاشته که عناوین و موضوعات آن به شرح زیر است.

۱. تحقیق و تصحیح و تعلیق بر معانی الاخبار شیخ صدوق

۲. تحقیق و تصحیح و تعلیق بر مجلدات ۵۴-۵۹ بحار الانوار علامه محمد باقر مجلسی

۳. راهیان کوی دوست: این کتاب شرح حدیث قدسی معراج است

۴. راه‌نوشه: این کتاب شرح حدیث نبوی خطاب به ابوذر غفاری است و در دو مجلد ارائه شده است

۵. پند جاوید: شرحی است بر نامه ۳۱ نهج البلاغه (خطاب به امام حسن ع) که در دو جلد منتشر شده است.

۶. پیام مولا از بستر شهادت: شرح وصایای حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در آستانه شهادت است

۷. جانها فدای دین: شرح حدیثی کوتاه از پیامبر صلی الله علیه و آله خطاب به حضرت علی علیه السلام

۸. پنجاهای الهی: شرح حدیث قدسی گفت و گوی خداوند متعالی با حضرت موسی علیه السلام است

۹. سیمای سرفرازان: شرح خطبه متقین نهج البلاغه. افزون بر این شرح برخی احادیث دیگر نیز در این کتاب آمده است.

۱۰. جرعه‌ای از دریای راز: شرحی است بر حدیثی از امام باقر علیه السلام خطاب به جابر جعفی و در ادامه حدیثی از حضرت امیر علیه السلام در باره ایمان شرح شده است.

۱۱. زینهار از تکبر: این کتاب شرح خطبه قاصعه نهج البلاغه است

۱۲. یاد او: شرحی است بر خطبه ۲۲۲ نهج البلاغه

۱۳. قرآن در آینه نهج البلاغه: شرحی بر سخنان حضرت امیر علیه السلام در باره اوصاف قرآن است.

۱۴. سیمای پیامبر اعظم در آینه نهج البلاغه: این کتاب شرح سخنان منقول از حضرت امیر علیه السلام در نهج البلاغه در باره پیامبری و اوصاف پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله است.

۱۵. بهترین‌ها و بدترین‌ها از دیدگاه نهج البلاغه: این کتاب شرح اوصاف بهترین و بدترین بندگان خدا براساس احادیث منقول در نهج البلاغه است.

۱۶. پنجاهای امام صادق به رهجویان صادق: این کتاب شرح حدیثی از امام صادق علیه السلام خطاب به عبدالله بن جندب است.

۱۷. رستارین دادخواهی و روشنگری: شرح خطبه فدکیه حضرت زهرا علیها السلام که در دو جلد منتشر شده است.

۱۸. سجاده‌های سلوک: شرحی است بر برخی مناجات‌های امام سجاد علیه السلام معروف به خمسه عشر که در دو جلد منتشر شده است.

۱۹. بر درگاه دوست: شرح برخی عبارات برگزیده از سه دعای افتتاح، ابوحزمه و مکارم الاخلاق است.

۲۰. صهباي حضور: شرح دعای ۴۴ صحیفه سجاده در باب ورود به ماه مبارک رمضان و ضیافت الهی است

۲۱. شکوه نجوا: شرح مناجات شعبانیه از حضرت امیر و مناجات المریدین از امام سجاد علیهما السلام.

۲۲. بدرود بهار: این کتاب شرح دعای ۴۵ صحیفه سجاده در وداع با ماه مبارک رمضان است.